

بُعد سوم

در شرایط کنونی مردم به ستوه آمده ایران که پاسخ نه به جمهوری اسلامی را بارها و بارها و علنا بیان نموده اند، به تیربار تبلیغاتی بخشی از اپوزیسیون بسته شده اند. بخشی که در تمامی صحنه های مبارزاتی توده ها، چه در کارخانجات و چه در مدارس و دانشگاهها و صحنه خیابان تمامی هم و غمش به انحراف کشیدن این مبارزات و حفظ جمهوری ننگین حاکم بوده است.

کرنش به قدرت و قدرت طلبی همواره سرسخت و هدف طیف سلطنت طلبان و رفورمیست ها بوده است و اکنون نیز که آمریکا پشت مرزهای کشورمان به انتظار زمان موعود نشسته است، اینان نیز پیوستن به اردوی نظامی مرگ آور و اشغالگرانه امپریالیستها را برای رهایی از شر رژیم تبلیغ می کنند.

سلطنت طلبان نومید از حمایت مردم کشور و بخشی از اصلاح طلبان داخل و خارج کشور که سیلی خورده از مردم در تحریم انتخابات شوراها هستند و خوبی میدانند که مردم ما دیگر برایشان تره هم خورد نمی کنند، به تبلیغ ناگزیری انتخاب میان بد و بدتر نشسته اند و چنین می نمایند که کشتار و غارت و چپاول امپریالیستی مردم ایران توسط اشغالگران به از ستمی است که رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی بر مردم ما روا میدارند و با این تبلیغات آشکار می کنند که هیچگاه برای توده ها بهترین ها را نمیخواهند و هرگز سعادت و رفاه و امنیت آنها را مد نظر نداشته اند.

در حقیقت تصویری که این طیف ها از شرایط کنونی در برابر مردم قرار میدهند تصویری دو بعدی است و تنها به نمایش طول و عرض آن می پردازند و فریبکارانه از بعد سوم آن که همانا عمق و محتوی مبارزات واقعی و جاری است سخنی نمیرانند.

در این زمینه نه تنها نیرو و اراده میلیونی کارگران و زحمتکشان ایران را در پرده نگاه میدارند بلکه میلیونها ایرانی را به خانه نشینی و نظاره دعوای ابرقدرت ها! برای تعیین سرنوشت و چپاول و کشتار این ملت توانا و آگاه دعوت میکنند.

بعد سوم موجودیتی عینی و حقیقی و تعیین کننده است.

این موجودیت از جانبی نیروی بی پایان و اراده این مردم است و از جانب دیگر نیروهای دلسوز و پیگیر رادیکال و دمکراتیک انقلابی و آشتی ناپذیر با جمهوری اسلامی را در بر میگیرد.

تردیدی نیست که این دو مولفه در شرایط کنونی با یکدیگر عجین نیستند و پیوندی ارگانیک میان آندو برقرار نمی باشد.

پراکندگی و تفرقه چه در میان اپوزیسیون انقلابی و رادیکال و چه در بطن اعتراضات اقشار متنوع جامعه به عنوان آفتی نامتناسب با ضروریات شرایط کنونی دیده می شود و شرط صداقت انقلابی حکم میکند که تلاشها در جهت رفع آفات از جبهه انقلاب و مبارزه برای آزادی و دمکراسی به تمام معنی سوق یابد.

مقوله نزدیکی ها و اتحاد عمل نیروهای جبهه انقلاب و دمکراسی نه در بطن و اعماق، بلکه در حاشیه ها به بن بست کشیده می شود.

این نیروها بخصوص در جنبش چپ رادیکال بیش از آنکه در چشم اندازهای دور و استراتژیک اختلاف نظری داشته باشند و حتی در اهداف موردی و کوتاه مدت به ضرورت پراکندگی رسیده باشند، گرفتار اختلاف سلیقه و تعصبات گروهی هستند و بنظر میرسد که هر گونه تلاش در مسیر دمکراتیزه کردن مناسبات بین این نیروها با مقاومت منفی و آگاهانه برخی از آنان روبرو میشود.

طرح ها و منشور های مطروحه در کوشش اولیه طراحانشان به دیواره مقاومت رهبری این جریانات برخورد می کند و هر گونه جستجو و کنکاش در این راستا را به بن بست میکشانند.

اتحاد عمل را به تیربار نفی و تخطئه می بندند و با مشابه سازی این ضرورت روشن و واضح با همه پا هم بهمن عقیم می گذارند.

متأسفانه انگ همه با هم زدن به طراحان اتحاد علیه رژیم سراسر نکبت جمهوری اسلامی بیش از هر طیفی از جبهه چپ رادیکال برمیخزد و در تداوم بی عملی و ارائه ندادن آلترناتیو چاره جویانه به همه پا من دامن میزنند.

همه پا من ، که بیش از دوده به مثابه آفتی بزرگ در جنبش چپ عرض اندام نموده است . جنبش چپ که می توانست و می تواند در نمایی به ابعاد ائتلاف و جبهه برفراز جنبش عمومی برای آزادی و دموکراسی به پرواز در آید و جهت یاب برابری و عدالت اجتماعی گردد ، همچنان و به دلایل متنوع که بازگویی آن جز تکرار مکررات نیست در تشتت و پراکندگی بسر میبرد.

تلاش های انجام یافته تا کنونی در این طیف ، بیش از آنکه این طیف را ضمن حفظ چارچوب های سازمانیشان به اراده ای واحد برساند ، بلوک بندی در داخل این بخش از اپوزیسیون را هدف گرفته است.

چنانچه بلوک بندی را از نیازهای دو فوریتی موجود کنونی ، انتزاع کنیم ، می تواند گامی به پیش ارزیابی شود.

اما در وضعیت حساس کنونی هر نوع تخطی از وظایف و تاخیر در انجام آنها به باز گذاشتن فضا برای منادیان دروغین آزادی و دموکراسی منتهی می شود .

آنچیز را که امروزه نیاز و ضرورت مبارزه انقلابی ارزیابی می گردد و پاسخگو به نیازهای بالفعل در عرصه سیاست است ، نه بلوک بندی در داخل این طیف بلکه ضرورت هماهنگی و اقدام مشترک و گسترده در میان نیروهای تشکیل دهنده این طیف می باشد . ارتباطاتی مستقیم ، پیوسته و پیگیر با خصلتی دموکراتیک برای دستیابی به برنامه ای مشترک و همبستگی در عمل میتواند توان مضاعفی را در جنبش عمومی عرضه کند .

در واقع رسالتی که اوضاع بحرانی حاکم بر ایران و شرایط مخاطره آمیز بین المللی و منطقه بر دوش چپ گذاشته است ، رسالتی تاریخی است که می تواند در پیوند و هدایت مبارزات زحمتکشان در داخل ، بعد سومی را به صحنه سیاست عرضه نماید و از ماهیت ارتجاعی و وابسته سلطنت طلبان و اپورتونیسیم جدایی ناپذیر فورمیستهای داخل و خارج پرده برد . امر انقلاب ، امر تجمع و کثرت و هماهنگی است و سازمان و تشکیلات تنها وسیله ای برای دستیابی به هدف هستند و نه هدف .

هدفی که جز در سعادت و رفاه و عدالت اجتماعی برای زحمتکشان ایران معنی نمی شود .

روزبه وین